

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی تطبیقی مسأله علم الهی از نگاه امام سجاد (ع) و قرآن کریم

دکتر عزیز علی زاده سالطه^۱

پریوش علیزاده^۲

چکیده:

از دیدگاه قرآن کریم، خداوند عالم مطلق بوده و هیچ ذره‌ای از حیطة آگاهی او بیرون نیست و به این مسأله در آیات مختلف تصریح کرده است، و به تبع آن متفکران و صاحب‌نظران نیز پیرامون علم الهی سخنان فراوانی گفته‌اند، اما از آنجایی که اهل بیت (ع) به عنوان مفسران حقیقی قرآن به مقاصد کتاب الهی واقف‌اند و جدایی بین آنان و قرآن قابل تصور نیست؛ ما سعی کرده‌ایم از باب نمونه، نگاه امام سجاد (ع) را در این باره مطرح کرده و در حد امکان به شیوة توصیفی - نقلی به تطبیق سخنان ایشان با آیات الهی بپردازیم.

آنچه از سخنان آن حضرت در این باره به دست می‌آید این است که ایشان درباره علم بعد از ایجاد، سخنان فراوان و در جنبه‌های مختلف داشته است و درباره مرتبة قبل از ایجاد هم در موارد متعددی مطالبی فرموده‌اند، اما به مانند قرآن کریم درباره علم خدا به ذات خویش که مورد بحث حکما هم است مطلبی بیان نشده است. از دیدگاه آن حضرت خداوند عالم را بدون هیچ الگو و سابقه‌ای آفریده و براساس اندازه‌گیری دقیق آنها را در پهنه هستی گسترده است و بعد از وجود یافتن هم بر آنها احاطه داشته و همه را در حساب دارد و این چیزی است که در قرآن کریم هم مصادیق فراوانی در مطابقت این سخنان می‌توان یافت.

واژگان کلیدی: علم الهی، امام سجاد (ع)، قرآن کریم

۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، همراه: ۰۹۱۴۱۶۴۰۸۸۶ - Email: Aziz.alizadehsalTeh@gmail.com

۲ - کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و مدرس حوزه و دانشگاه

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

امام سجاد (ع) بعد از دوره اسارت و مراجعت به مدینه به جهت وضعیت اختناق، فشار و تهدید با کسی غیر از خواص شیعه تماس نداشت و از طریق آنان، معارف قرآن و اهل بیت (ع) را در میان شیعه نشر می‌دادند و برای حفظ اسلام، زبان دعا را برای این منظور انتخاب کردند- هر چند که روایات متعددی هم از آن حضرت در کتب حدیثی وجود دارد- و در قالب دعا، دقیق‌ترین معارف الهی را بیان کردند. از جمله این مسائل، بحث علم الهی است که از دیرباز و به خصوص بعد از ظهور اسلام محل بحث و نظر بوده است به گونه‌ای که هر یک از متفکران گاهی آراء متعارض با دیگری در این باره داشته‌اند، اما در قرآن کریم این بحث به گونه‌ای مطرح شده است که جای ابهامی برای هیچ کس در گستردگی علم الهی و ظرافت و دقت آن باقی نمی‌گذارد. و ائمه معصوم (ع) هم که از همه بیشتر به قرآن کریم واقف‌اند انتظار می‌رود که بیشترین مطابقت را با کلام الهی داشته باشند.

آنچه در این تحقیق مدنظر است این است که بدانیم امام سجاد (ع) به عنوان فردی از اهل بیت (ع) و امام معصوم که مورد تأیید خود قرآن هم هستند چگونه در مسأله علم الهی سخن رانده‌اند؟ و چه مسائلی را در این باره مورد توجه قرار داده‌اند؟ و آیا مواردی وجود دارد که در نحوه تبیین مسأله علم الهی مباحثی بین سخنان ایشان و قرآن کریم وجود داشته باشد یا نه؟ اینها و مسائل دیگر مواردی هستند که در ضمن مقاله بدان خواهیم پرداخت.

۲-۱- پیشینه تحقیق

درباره علم الهی و جنبه‌های مختلف آن در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد و در کتب مختلف تفسیری و روایی به زوایای مختلف آن پرداخت شده است و در بین متفکران اسلامی هم، مکاتب مختلفی در این باره سخن رانده‌اند؛ به گونه‌ای که گاهی سخنان نزدیک به هم و گاهی متعارض و متفاوت داشته‌اند و در فرمایشان ائمه معصومین علیهم السلام هم- به خصوص امیرالمؤمنین (ع) و امام باقر و امام صادق علیهما السلام در این باره مطالب فراوانی وجود دارد. اما آنچه از امام سجاد (ع) در این باره به ما رسیده است بیشتر در قالب ادعیه صحیفه و برخی ادعیه دیگر می‌باشد. و شروح مختلفی هم بر آنها نگاشته شده است اما اکثر آنها توضیح چندی پیرامون این مسأله نداده‌اند و گاهی بدون توضیح از کنار آن رد شده‌اند. به علاوه مقالات و کتاب‌هایی هم که درباره علم الهی نوشته شده‌اند- با توجه به جستجویی که ما داشته‌ایم- مربوط به امام سجاد (ع) نبود.

بنابراین می‌توان گفت که مطالبی که از این قلم درباره علم الهی از نگاه امام سجاد (ع) می‌بینیم و نیز تلاشی که در جهت تطبیق سخنان آن حضرت با آیات قرآن شده است، به نظر می‌رسد بدون سابقه بوده و یک کار جدید و بدیعی در این زمینه محسوب می‌شود.

۲- مفسران حقیقی قرآن کریم، امام هستند:

همان طور که می‌دانیم، قرآن کریم با وجود نورانیت و روشنگر بودن^(۱)، نیاز به تفسیر داشته و بدون آن برای عموم قابل ادراک نیست.^(۲) و براساس آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع/ ۷۹) علم مربوط به فهم معارف عالییه قرآنی درجه اول اختصاص به معصومین علیهم السلام داشته و در مراتب بعدی هم کسانی می‌توانند از عهده آن برآیند که برای بهره‌وری از معارف قرآن، به اهل بیت (ع) مراجعه کنند.

در اثبات مطلب فوق باید گفت که براساس گفته‌های مفسران (طباطبایی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۹، ص ۱۵۶؛ جوادی آملی؛ ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۴) منظور از «مس» و لمس قرآن کریم، در یک معنای دقیق همان علم به معارف قرآن است و منظور از «مطهر» و «مطهر» اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند؛ چرا که در سورة احزاب به صراحت آمده است که «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)؛ یعنی «... خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

و براساس این آیه که به آیه تطهیر معروف است خداوند هر گونه آلودگی را از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) دور کرده و آنها را به پاکی رسانده است و همچنین منظور از اهل بیت نیز غیر از معصومین علیهم السلام، را شامل نمی‌شود (طبرسی، بی‌تا، ج ۸-۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۳۲۸ به بعد). پس اگر علم به معارف در درجه اول اختصاص به صاحبان طهارت و پاکی داشته باشد و اهل طهارت هم شامل اهل بیت پیامبر (ص) باشد، معلوم می‌شود که تفسیر و دسترسی به معارف والای قرآن خاص خاندان عصمت و پاکی است و از دیگران هم اگر مستند به اهل بیت (ع) بوده و شرایط خاص آن در تفسیر رعایت شود پذیرفته خواهد بود. در این زمینه و در تأیید مطلب فوق فرمایش ائمه معصومین (ع) و از جمله امام سجاد (ع) فصل الخطاب بوده و روشنگر مسأله خواهد بود، ایشان در صحیفه سجادیه در دعایی می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ أَنْكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (ص) مُجْمَلًا وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مَكْمَلًا، وَ وَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵، ص ۲۸۸)، یعنی «خدایا! تو این کتاب را بر پیامبر خود محمد- که درود خدا بر او و دودمانش باد- به اجمال (بی‌هیچ شرح و تفسیر) فرو فرستادی، و دانش شگفتی‌ها و حقایق مکتوم آن را در نهایت کمال، بر او الهام فرمودی، و دانش تفسیر قرآن را به ما (دودمانش) میراث دادی، و ما را بر کسی که حقایق و اسرار آن را نمی‌داند و به فهم آن نادان است، فضیلت بخشیدی...».

بنابراین حقیقت قرآن کریم که مکنون و غیرقابل دسترسی و لمس است توسط مطهرون یعنی اهل بیت پیامبر (ص) قابل دسترسی و لمس است و ما هم با نزدیک شدن به ائمه (ع) به قرآن نزدیک می‌شویم.

۳- ائمه معصومین علیهم السلام، نور واحد هستند.

قرآن کریم در ذات خود یک حقیقت واحد بوده و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد؛ چون از یک حقیقت کامل ناشی شده است؛ چنانکه می‌فرماید: «...وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲)، و اصل و باطن اولیاء معصوم هم قرآن است، و خود معصومین هم در این مورد که همه دارای یک حقیقت نوری واحد هستند می‌فرمایند: «خَلَقْنَا وَاحِدٌ وَ عَلِمْنَا وَاحِدٌ وَ فَضَّلْنَا وَاحِدٌ وَ كُنَّا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى»؛ یعنی خلق و ایجاد ما واحد و علم و فضل ما واحد و همه ما در نزد خداوند تعالی واحدیم. و بعد راوی از تعداد امامان از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند، حضرت می‌فرماید: «نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ هَكَذَا حَوْلَ الْعَرْشِ رَبَّنَا عَزَّوَجَلَّ فِي مَبْتَدَأِ خَلْقِنَا، أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۶۳)؛ یعنی هر دوازده نفر ما در چنین شریطی از اول خلقت‌مان در اطراف عرش پروردگارمان قرار داریم، و اول ما محمد است و بین ما محمد است و آخر ما نیز محمد است. و یا می‌فرمایند: «كُنَّا وَاحِدٌ مِنْ نَوْرِ احَدٍ» (همان، ج ۲۶، ص ۱۶).

و در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «أَشْهَدُ ... أَنَّ أَرَوَّاحَكُمْ وَ نَوْرَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ...» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۹۰۲). بنابراین معصومین علیهم السلام عین یکدیگر بوده و از حقیقت واحدی برخوردارند.

۴- قرآن و ائمه از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث ثقلین می‌فرماید: «أَنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا أَنِ، تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي وَ أَخَذَ هُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابَ اللَّهِ حَبْلَ مَمْدُودٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ص ۱۰۶)، یعنی «همانا در بین شما دو چیز وزین و گران‌بها قرار دادم و مادامی که به این دو تمسک بجویید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید و یگی بزرگتر از دیگری است: قرآن، کتاب خدا که ریسمانی است کشیده شده از آسمان تا زمین و عترت و اهل بیت من، بدانید که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا این که در حوض کوثر بر من وارد شوند».

براساس نظر مفسران (رک، جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۰) جدایی‌ناپذیری ثقلین به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است؛ امامان علیهم السلام، مبین و مفسر قرآن کریم و شارح جزئیات و تفاسیل و نحوه اجرای کلیات آن هستند و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین علیهم السلام ارجاع و به سنت آنان بها می‌دهد. بنابراین پیامبر اکرم (ص) در این حدیث تأکید دارند که قرآن و عترت به هیچ وجه از هم جدایی ندارند و این هم بدان معناست که قرآن کریم همواره به مفسر و مبین نیاز دارد؛ تبیین‌کنندگانی که در ظاهر و باطن و غیره بیشترین شباهت را با رسول خدا (ص) دارند.

- «... وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ...» (غافر/ ۶۴)

و همچنین به این مسأله که خداوند جهان را بدون ماده و ابزار و ... آفریده است می‌فرماید:

- «بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره/ ۱۱۷)

۴-۱۱-۳-۷- کسی که دانشمندان در علم او حیران‌اند.

ایشان در مناجات معروف به انجیلیه بزرگ در این باره می‌فرمایند: «الَّذِي حَارَ فِي عِلْمِهِ الْعُلَمَاءُ...» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۴، ص

۱۵۳ به بعد؛ و نیز قیومی اصفهانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۸۶)

قریب به مضمون بالا شاید بتوان به آیه زیر استشهاد جست که می‌فرماید: «...إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...»

(فاطر/ ۲۸) یعنی «... از بندگان خدا تنها دانایان‌اند که از او می‌ترسند...»

توجه به مفهوم آیه نشان می‌دهد که خشیت و ترس دانشمندان از خداوند، ترس ناشی از تعظیم و بزرگ دیدن خداست و در واقع کسی از خدا خوف خواهد داشت که او را به عظمت و بزرگی بشناسد. و شاید بتوان گفت که فرمایش امام سجاد (ع) در این باره به نوعی به این مسأله مرتبط باشد (والله اعلم).

۵-۱۱-۳-۷- خداوند عالم به غیب و شهادت است.

آن حضرت به هنگام صبح آیه‌الکرسی و برخی سوره‌ها را می‌خواند و به خواندن آنها سفارش می‌کرد. و در ضمن دعاهاى خود، به عالم به غیب و شهادت بودن خداوند اشاره کرده و می‌فرمود: «عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» (سجده/ ۶) (العروس، ص ۵۴؛ به نقل از قیومی اصفهانی، ج ۱، ص ۷۶۰).

اینها نمونه‌هایی بود از بیانات امام (ع) درباره ویژگی‌های علم خدا و قبل از آن، مراتب علم الهی و ... که در حد توان سعی کردیم با تطبیق آن سخنان بر آیات الهی، مسأله علم الهی را از منظر امام (ع) به تصویر کشیده و در معرض توجه قرار دهیم، هر چند که مواردی هم از فرمایشات ایشان باقی ماند که نتوانستیم در این مختصر بدان‌ها بپردازیم از جمله: فرمایشات ایشان درباره علم خدا به شکستن توبه انسان‌ها (صحیفه سجاده، ۱۳۸۵، ص ۲۴۱)، علم عنایی خداوند (همان، ص ۱۷۷)، علم خداوند به مصلحت امور دنیا و آخرت انسان‌ها (صحیفه، همان، ص ۱۷۹)، علم خداوند به تعداد گناهان (همان، ص ۲۲۹)، علم خداوند به احوالات بندگان (همان، ص ۳۸۰)، توجه خداوند به مشکلات و گرفتاری‌های بندگان (همان، ص ۱۱۶) و غیره. امید آن که این نگارش مقدمه‌ای برای تحقیقات عمیق‌تر و بهتر در این باره و موارد دیگر باشد.

نتیجه‌گیری

امام سجاد (ع) به عنوان حامل قرآن کریم و مفسر آیات الهی، بسان سایر معصومین علیهم السلام، از مقاصد و معانی بلند آن در قالب فهم عقول عامه پرده برداشته و در جهت هدایت انسانها مساعی خستگی ناپذیری داشته است و سعی کرده است به لحاظ موقعیت زمانی، این مهم را در قالب دعا به انجام برساند.

یکی از مسائلی که آن حضرت در لابه‌لای فرمایشات خود از جنبه‌های مختلف آن سخن گفته‌اند مسأله علم الهی است؛ با توجه به مطالعه انجام گرفته، معلوم می‌شود که ایشان درباره علم قبل از ایجاد و بعد از ایجاد، در مواضع مختلفی سخنان بارزش گفته‌اند و علم الهی را درباره مخلوقات، به نحو تام، وسیع، دقیق و خیلی عمیق دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که هیچ امری در جهان هستی از دایره آگاهی خداوند خارج نبوده و بدون طراحی و تقدیر و قضای او پدید نیامده است.

از دیدگاه امام سجاد (ع) همه مخلوقات و پدیده‌ها، در نزد خداوند حاضر بوده و ذره‌ای از آنها از خداوند غایب نمی‌باشد؛ او حتی به اسرار درونی انسان‌ها و نیات آنان، قبل از خود آنان آگاه بوده و خطورات قلبی آنان را در حساب دارد، و در ناحیه افعال انسان به مخفی‌ترین حرکات چشم، و دعا‌های آنان و ... آگاه است و بیان این موارد و موارد دیگر از زبان امام (ع) در واقع تبیین آیات الهی در این زمینه بوده و کوچکترین تعارضی با آن ندارد و اگر کسی بتواند به عمق سخنان آن حضرت تا حدودی اطلاع پیدا کند و آن را با قرآن کریم بسنجد، چیزی غیر از حیرت نصیب او نمی‌شود و تازه می‌فهمد که چرا ائمه، قرآن ناطق و یا باطن قرآن لقب گرفته‌اند.

یادداشت‌ها

- ۱- خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده/ ۱۵)
- ۲- دلیل این امر این است که قرآن از یک سو برای خود اوصافی بر می‌شمارد که ضرورت تفسیر آن را به همراه دارد و از سوی دیگر علمی را طرح می‌کند که بدون تفسیر ادراک نمی‌شود. برای مثال خود را قول ثقیل دانسته و سلسله جبال را در مقابل خود خاضع و متلاشی می‌داند (مزمّل/ ۵؛ حشر/ ۲۱) و همچنین همگان را به مصاف و مبارزه می‌خواند (اسراء/ ۸۸؛ بقره/ ۲۳ و ۲۴). و از طرف دیگر معارفی در جهان‌بینی توحیدی، قضا و قدر، تجرّد روح و ... ارائه می‌کند که بدون شرح و تفسیر، ادراک عمومی آن امکان‌پذیر نیست (رک به جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۴ به بعد).
- ۳- از این رو است که مفسرانی مانند علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، به این نوع تفسیر اهتمام جدی دارند و آن را طریق صحیح برای فهم مقاصد قرآن می‌دانند. (رک به طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۰)
- ۴- درباره علم الهی و کیفیت آن و آیات وارد شده در این باره رک به (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۷۴ به بعد)
- ۵- درباره علم الهی و کیفیت آن از دیدگاه حکما می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:
 - ابن‌سینا، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸۰ به بعد
 - همو، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱ به بعد (مقاله دوم، فصول ۱۸، ۱۹ و ۲۰)
 - شیرازی (ملاصدرا)، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۷۴ به بعد
 - طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۸۸ به بعد
 - مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۱۰ به بعد و غیره ...
- ۶- درباره علم خداوند به ذات خود، از راه علم انسان‌ها به خود و تعمیم آن به خالق این ویژگی در انسان‌ها براساس قاعده «معطی شیء فاقد شیء نمی‌شود» می‌توان استدلال کرد. و همچنین از تجرّد خداوند و حضور مجرّد خود و فهم این معنا که حضور ذات نزد خود همان علم است، می‌توان به علم خداوند بر خود استدلال نمود. (رک به شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۷۶-۱۷۴؛ طباطبایی، بی‌تا، صص ۲۸۹-۲۸۸)
- ۷- در تفسیر این آیه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد ولی در مجموع همه اینها به علم خداوند به عنوان خالق، و یا علم خداوند به مخلوقات خویش اعم از انسان و اسرار و بواطن آنها اشاره دارند. (رک به طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰-۹، ص ۴۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۰).

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم (۱۳۷۳ ش)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
- ۲- نهج البلاغه (۱۳۶۶ ش)، ترجمه مصطفی زمانی، قم: انتشارات پیام اسلام، چاپ چهارم.
- ۳- صحیفه سجاده (۱۳۸۵ ش)، ترجمه محمد تقی خلجی، تهران: انتشارات قلم نو، چاپ سوم.
- ۴- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶ ش)، الالهیات من کتاب الشفاء، تحقیق آیت الله حسن زاده آملی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
- ۵- _____ (۱۳۷۰ ش)، الهیات نجات، ترجمه و پژوهش سید یحیی یثربی، تهران: انتشارات فکر روز، چاپ اول.
- ۶- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ش)، تسنیم، قم: انتشارات اسراء، چاپ اول، جلد اول.
- ۷- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (بی تا)، الذر المثور فی تفسیر المأثور، بیروت: مؤسسه الرساله، بدن نوبت چاپ، جلد ۲.
- ۸- شریف قریشی، باقر (۱۳۷۲ ش)، تحلیلی از زندگانی امام سجاد (ع)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، جلد اول و دوم.
- ۹- شیرازی، صدرالدین محمد (صدرا) (۱۳۶۸ ش)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: انتشارات مکتبه المصطفوی.
- ۱۰- شیخ صدوق (۱۳۶۲ ش)، الخصال، قم: مرکز منشورات اسلامی، چاپ اول، جلد ۱-۲.
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، جلد های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲.
- ۱۲- _____ (بی تا)، نهایة الحکمة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بدون نوبت چاپ.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح، تحقیق و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی، بیروت: انتشارات دارالمعرفه، جلد های ۷-۸ و ۹-۱۰.
- ۱۴- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ ش)، تهذیب الاحکام، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بدون نوبت چاپ، جلد ۶.
- ۱۵- فهیم کرمانی، مرتضی (۱۳۷۴ ش)، رهبر آزادگان، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۱۶- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵ ش)، مفاتیح الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: انتشارات اسوه، چاپ هشتم، سه جلدی.
- ۱۷- _____ (۱۴۰۲ ق)، سفینه البحار، تهران: نشر فراهانی، بدون نوبت چاپ، مجلد یک.
- ۱۸- قیومی اصفهانی، جواد (۱۴۱۹ ق)، ادعیه امام زین العابدین (ع)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، جلد اول.

- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ ق)، **الاصول من الکافی**، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، بیروت: انتشارات دارالصعب، بدون نوبت چاپ، جلد یک.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ ش)، **بحارالانوار**، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ ش)، **آموزش عقائد**، قم: چاپ و نشر بین الملل، چاپ ۵۲.
- ۲۲- _____ (۱۳۷۰ ش)، **آموزش فلسفه**، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، جلد دوم.
- ۲۳- هاشمی خویی، حبیب الله (۱۳۴۵ ش)، **منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه**، قم: نشر دارالعلم، بدون نوبت چاپ، جلد ۶